حمایتگرایی در سال 1992 (نشریه اکونومیست)

کشورهای عرب درهای خود را به روی‏ شرکت کوکاکولا،که پیش از این بخاطر سرمایه‏گذاری در اسرائیل آن را تحریم کرده‏ بودند،باز کردند.مقدار بسیار زیادی ماهی‏ آزاد در نروژ،که موجب شده بود تا پرورش‏ دهندگان ماهی در بازار مشترک خواستار حمایت شوند،به‏طور مسالمت آمیزی به فروش‏ رفت.روسیه متوجه شد که در تامین‏ بیمارستانهای غربی با ایزوتوپهای رادیو اکتیو از مزیت نسبی برخوردار است.در این میان، فرانسه نیز به روسیه ودکا صادر کرد.

این‏گونه رویدادها،گرچه کوچکند ولی به‏ گسترش سیستم تجاری جهان در طول سال‏ 1992کمک کرده‏اند.متأسفانه،در سال گذشته‏ تعداد این رویدادها کم نبود.سه عامل بر سیاست تجاری حاکم بود که دو عامل،یعنی‏ ترس از رکورد و شکست مذاکرات اروگوئه برای‏ اصلاح تجارت جهانی،حکایت از حمایتگرایی‏ می‏کرد.ادامهء آزادسازی،که عمدتا"در کشورهای در حال توسعه انجام می‏شد،تنها تا حدی حمایتگرایی را جبران می‏کرد.

سال 1992 به خاطر رشد اقتصادی آهسته، سال خوب و همواری نبود.به نظر اقتصاددانان گات(موافقتنامهء عمومی تعرفه و تجارت)،رشد حجم تجارت جهانی پس از 5 درصد افزایش در شش ماه نخست سال گذشته با کاهش روبرو شد.در اتحاد شوروی سابق، تجارت در واقع متلاشی شد.به موجب گزارش‏ سازمان مشاوره‏ای«کی.پی.ام.جی»( KPMG )، شمار ادغام و خرید شرکتهای بین مرزی برای‏ چهارمین سال متوالی با کاهش همراه بود،و اگرچه کشورها برای حل و فصل اختلافهای‏ تجاری هنوز به مکانیسم گات امید بسته‏اند،ولی‏ بیزاری آنها برای اجرای مقررات مخالف‏ بیشتر می‏شود.صنایعی مانند فولاد و خودروسازی که نسبت به رکورد آسیب پذیرترند به‏طور بیرحمانه‏ای حمایت را جستجو می‏کنند.

در آغاز سال‏1992که جرج بوش از تجارت در آسیا صحبت کرد،متحد رهبران‏ صنعت خودروسازی آمریکا بود.ژاپن و تایوان، زیر فشار ناچار شدند تا به‏طور اختیاری از صادرات ماشین ابزار به آمریکا خودداری‏ کنند.اگرچه آمریکا نیز قول داد که برای‏ افزایش مجموع واردات خود بکوشد،با این‏ حال مازاد صادرات ژاپن با افزایش همراه‏ بوده است(به نموار رجوع کنید)،و همین‏ باعث افزایش دردسر در سال 1993 خواهد بود.عدم موفقیت در انجام وعده‏ای مشابه‏ برای نیمه رساناها موجب شد تا خانم کارلا هیلز،نمایندهء تجاری آمریکا،تهدید به مقابله‏ به مثل کند.

 حتی فعالیت‏های گروههای مختلف در کشور نیز بیشتر شد.کنگره تلاش کرد تا برای خودروهای‏ وارداتی آمریکا سهمیه تعیین کند و تعرفهء وانتهای دو کابینه را از 5/2 درصد به 25 درصد افزایش دهد.در همین حال،شرکت هوندا با وجود 10 سال فعالیت در آمریکا،از گروه‏ خودرو سازان آمریکایی اخراج شد.رفتار اروپا نیز بهتر نبود:در موافقتنامه‏ای که قرار بود آزادسازی واردات خودروهای ژاپنی بتدریج‏ انجام شود به‏طوری تغییر بوجود آمد که‏ واردات وسایل نقلیه نسبت به سال 1991 با 6 درصد کاهش مجاز شد.

ولی فولاد،صنعتی بود که نقش خود را در سیاست با ماهرانه‏ترین وجهی ایفا کرد.بازار مشترک اروپا برای شمار زیادی از محصولات‏ اروپای شرقی عوارض ضد دامپینگ وضع کرد.

همچنین،طرحهایی برای تعیین سهمیه‏های‏ وارداتی و سوبسید ارائه کرد تا به این صنعت‏ برای اداره ظرفیت بیش از اندازهء خود کمک‏ کند.گفتگوها برای ایجاد قوانینی حاکم بر تجارت فولاد با شکست روبرو شد.با تقاضای‏ شرکتهای فولادسازی آمریکا برای حمایت در برابر واردات از سایر کشورها،دولت این کشور بسرعت دهها مورد سوبسید و مقررات‏ ضد دامپینگ وضع کرد.

تمام اینها به خاطر پیشرفت آهستهء مذاکرات اروگوئه صورت می‏گرفت.عدم تمایل‏ کشورهای ثروتمند(بویژه بازار مشترک اروپا) برای دستیابی به یک موافقتنامه موجب تیرگی‏ روابط تجاری میان آنها شده و تعهدشان را نسبت به سیستم چند جانبه تحت تاثیر قرار داد.این یکی از دلایل تکاندهنده‏ترین خطر سیرهای سال 1992 است:یعنی پیدایش‏ قراردادهای تجاری منطقه‏ای بیشمار.

در سال 1991،از این قبیل موافقتنامه‏ها تنها یکی به امضاء،تصویب و اطلاع گات رسید، در حالی که در سال 1992 این رقم به 16 بالغ‏ شد(این رقم هنوز برخی موافقتنامه‏ها،مانند موافقتنامهء تجارت آزاد آمریکای شمالی را که‏ پذیرفته شده ولی به تصویب نرسیده است شامل‏ نمی‏شود.)اکنون که گروه کومکون(گروه تجاری‏ بلوک شرق)از بین رفته،برخی از این‏ موافقتنامه‏ها نشانگر ایجاد ارتباط جدید میان‏ اروپای غربی و شرقی است.ولی پیمانها به‏ صورت یکی از ویژگیهای آسیا و آمریکای لاتین‏ نیز در آمده است.

موافقنامه‏های منطقه لزوما"سیستم چند جانبه را تحت تاثیر قرار نمی‏دهد.برخی از آنها مانند موافقتنامهء میان آمریکا و کانادا در راستای خط مشی گات طراحی شده است.ولی‏ اگر از موافقتنامه‏های منطقه‏ای به عنوان موانع‏ تجاری استفاده شود یا اعضا را به رویه‏های‏ نامناسب برانگیزد می‏تواند در حکم تهدید باشد(همان‏گونه که طرحهای بازار مشترک‏ اروپا برای ارائه عوارض ضد دامپینگ کار را آسان کرده بود(.

پیمانهای میان کشورهای در حال توسعه‏ نشانهء یک رویهء دیگر است:یعنی آزادسازی‏ خود مختار بوسیلهء کشورهای آمریکای لاتین و آسیا.در آغاز مذاکرات اروگوئه،یعنی زمانی‏ که اقتصاد جهانی رونق داشت،انگیزهء آزاد سازی از کشورهای ثروتمند سرچشمه گرفت‏ در حالی که کشورهای در حال توسعه ناظر این‏ وضع بودند.شش سال بعد که کشورهای‏ ثروتمند از انجام وظیفه طفره می‏رفتند، کشورهای در حال توسعه پیشرفت را آغاز کردند.

مأخذ:نشریه اکونومیست،ژانویه 1993